ما و شهادتی این‌چنین بزرگ

شماره پرسش: ۴۱۹۱۴

تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۵/۴/۲ ۱۳:۲۱:۲۸

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحیم سلام علیکم و رضوانه و ریحانه مائیم وجهانی پیش رو در انتظارما! یا فتاح در طلیعه ظهور ولایت سید مجتبی خامنه ای«حفظه الله»، ما شاهد حضور درکرانهٔ معناهایی از زندگی شدیم که تا دیروز از آن غافل بودیم، ما با او وارد مرحله جدیدی از انسان سیاسی الهی شدیم، انسانی برانگیخته برای ساخت جهان های از دست رفته! استعدادهایی که با شروع این جنگ به فعلیت رسیدند آنهم نه در ساحت فردی بلکه در یک ساحت و فعلیت اجتماعی، جهانی در میان ویرانه های عالم تکنیک و مدرنیته، برای خلق انسان جدید انتظار می کشید و این با شهادت سید علی گشوده شد. ما در لبهٔ خلق معناهایی متعالی از حماسه و خون و فتح به تاریخی هستیم که مناسباتش را تا امروز بر صورت پول وثروت و شهوت و قدرت بنا کرده بود. این دستاوردی است که نیازمند روایت و حفظ است. وقتی معنا از جامعه ای رخت بر می بندد، پوچی تاروپود زندگی آدمی را در می نوردد و اینگونه است که تاریخ، تاریخ فرار می شود! فرار از خود و سرکردن با انواع بیخودی ها برای گذران زندگی سرد و بی روح، و تاریخ در فروبستگی درجا می زند! اینک، بار دیگر رایحهٔ معنا و فطرت و معنویتی از دست رفته از جانب شرق جغرافیای تاریخ به مشام غرب زدهٔ بشر وزیده است و نوید و عطر دیگری را با خود دارد. زندگی بدون ننگ و عار و تعفن زدهٔ ابزوردیسم، دستی از دل تاریخ بلند شده است و به سوی آدمیت کشیده شده تا او را از غربت غربی دوران در طلوع افقی نو و امتدادی سرخ از خون انسان های پاک در عالمی سراسر معنا و شور و حماسه بکشاند. عزیزان، اگر در پی انتقام خون شهید سید علی می‌گردید، انتقام خون این شهید خلق حماسهٔ معنایی از انسان است که مناسبات عالم مدرن سالیانی است با فریب و شهوت و قدرت آن را از پیش روی انسان ها با خلق نظام سرمایه داری و مناسبات ساختار لیبرال وگم شدن معنویت در بستر سکولاریسم پنهان کرده است و الان این سرمایه عظیم(خون جوشیدهٔ سید علی) در اختیار تاریخ ماست تا با روایت حماسهٔ این خون بنیان و روح اومانیسم و نظام تکنیکی یزید دوران را ویران کنیم! امّا کو زینبی؟ کو زین العابدینی؟؟ اگر گرفتار نزاع هایی شدید که اساسا نزاعی خارج از فهم این تاریخ بود شما نتوانستید حامل پیام آن حماسه باشید و نتوانستید بر قلهٔ فتح آن تشت رسوایی بنی امیه دوران را بر ملا بکنید و مگر جز این است که یکی از مطهرات نجاست های تاریخی در طول سالیان متمادی خصوصا از حادثهٔ کربلا به بعد «خون» است، خون شهید کاخ کفر را ویران می‌کند. یک جهان خون خواه او خواهند شد اگر روایت این خون افقی که آنها هم سالیانی است در انتظار آن هستند را پیش چشم شان نشان دهد. اگر این خون، هبه ای است الهی که خداوند آن را به امت محمدی ارزانی داشت تا موجبات رسوایی تاریخ یزیدی را بر ملاکنیم، جفاست اگر

گرفتار نزاع های بی مایه و سیاسی شویم. رفقا، خونخواه امام شهیدمان خداست و این خون مطهر ظهور اراده ای است که تاریخ دیگری را برایمان می گشاید و عجول نباشید و بمانید و ببینید و با عقل و عشق مجرا و مجلای طلوع این خونی باشید که غایت اش پایان کفر است. وقتی سخن از ارادۀ تاریخی خداوند در دل یک ملت می شود باید نقش مان را در آن اراده ذیل ولیّ آن تاریخ پیدا کنیم تا به خوبی از دل آن تاریخ گذر کنیم. امروز بیش از هر روز دیگر، ارادۀ خداوند را در آغوش ملتی احساس می‌کنیم که خودشان را در بعثت ارادۀ الهی مبعوث می‌بینند و پرچم دار مشیت تاریخی حق در عالم شده‌اند. و صد افسوس و فغان که این شور و جوشش حماسه را با تنازع برهم بزنیم!!! خدا از این ناشکری نخواهد گذشت.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حکایت کلمات جنابعالی، حکایت هر آن کسی است که متوجه شده آری! انسانی که به گفتۀ شما در عین سیاسی‌بودن، الهی باید باشد و در عین الهی‌بودن، سیاسی. و امام شهید ما همۀ این حکایت بود و چه شهادتی بود این شهادت! اگر دیروز این زینب«سلام‌الله‌علیها» است که آن شهادت را درک کرد و در جای خود عالَمی شد تا ما در صحیفۀ وجود او افقی را نظارت کنیم، که خدا می‌داند هر روز عظیم‌تر از دیروز این افق خودنمایی می‌کند و چه هنرمندانه این بانوی بزرگ متوجه شدند آن حضور، نیازمند روایت و حفظ است؛ نکته‌ای که جنابعالی در نسبت شهادت رهبر شهیدمان متذکر شدید.
گفتید اینک بار دیگر رائحۀ معنویت و فطرت از دست‌رفته به مشام غرب‌زدۀ بشر وزیدن آغاز کرده تا او را از غربتِ غربی دوران در طلوع افقی نو که حکایت حماسه و ایمان است، بکشاند، و حقیقتاً چنین است. و معنای انتقام را درست‌روایت‌کردنِ حماسۀ آن خون دانستید و حال، ملاحظه می‌کنید که از یک طرف این امام سجاد«علیه‌السلام» است که با حضوری نرم همچون حضور آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای به میان آمده و از طرف دیگر این بانوان ما می‌باشند که چگونه بعثت تاریخیِ خود را در حرکات و کلام خود تجربه می‌کنند تا آغازی باشند برای فردای‌مان. و به گفتۀ شما جهانی می‌باشند که همه خونخواه امامِ شهیدشان هستند ولی زینب‌گونه. و این‌جا است که آری! و صد آری! چه اندازه به بیراهه می‌رویم اگر مشغول دعواهای سطحی شویم به گمان این‌که هر کدام، خود را حق می‌دانیم و برادران ایمانی خود را باطل. https://eitaa.com/arshiv۳۱۳۳/۱۷۷ آیا وقتی در دل چنین شهادتی می‌توانیم پرواز کنیم، شایسته است که هر کدام پای دیگری را پایین بکشیم؟ موفق باشید